

سنجش میزان آگاهی اساتید دانشگاه از حقوق شهروندی

مریم قهرمانی* و دکتر زهره داودپور**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۲/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۱/۲۰

چکیده

مشارکت مبنایی است برای تبدیل فرد به شهروند. برای شهروند بودن در کامل‌ترین معنای آن، باید مؤثر و فعال بود. شهروندی فعال، معطوف به درگیرکردن مردم در فراگرد تصمیم‌گیری است؛ مردمی که فرصت پیدا می‌کنند تا در زمینه‌های برنامه‌ریزی و انجام خدمات عمومی سخن گفته و به ارتقاء نتایج و خدمات بیندیشند.

آگاهی شهروندان موجب رسیدن ایشان به حقی است که جامعه برای آن‌ها در نظر می‌گیرد. این آگاهی دارای جنبه‌های مختلفی از قبیل آگاهی اجتماعی، آگاهی فرهنگی و... است. آگاهی شهروندی، به معنای شناخت شهروندان از وظایف حکومت و شهرداری در قبال شهروندان و تلاش برای تحقق حقوق و اجرای تکالیفشان است. آگاهی از حقوق شهروندی موجب می‌شود که مشارکت شهروندان در امور شهری از مراتب پایداری، استمرار و مسئولیت‌پذیری بیش‌تری برخوردار گشته، مثمر ثمر گردد. این پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه به جمع‌آوری اطلاعات مربوط به میزان آگاهی اساتید دانشگاه، به‌عنوان نیروی متخصص جامعه نموده است. به‌منظور تحلیل این اطلاعات از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد این گروه از سطح آگاهی بالایی در زمینه حقوق شهروندی برخوردار هستند. در ادامه به آزمون فرضیات مطرح‌شده پرداخته است.

واژگان کلیدی

شهروند فعال، آگاهی شهروندی، حقوق شهروندی، اساتید دانشگاه

* دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین. مدرس گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، همدان، ایران

Mghahremani@yahoo.com

** استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین

مقدمه

حقوق شهروندی از موضوعات اساسی مرتبط با کیفیت زندگی اجتماعی انسان‌ها در عصر مدرن می‌باشد. تحولات تاریخی و نوسانات زندگی اجتماعی بشر و روابط افراد با دولت‌ها و دولتمردان به نقطه‌ای انجامید که ضرورت وجود قواعدی برای تعیین استانداردهای قابل قبول برای تأمین شرایط مناسب در روابط اجتماعی و روابط دولت و طبقه حاکم با شهروندان احساس گردید. ویژگی‌های خاص زندگی نوین، همراه با پیچیدگی‌های آن اقتضا نمود که اصول پیشرفته‌ای به‌طور جامع و کامل پاسخگوی نیاز بشر در این عرصه و حمایتگر افراد جامعه در برابر طبقه حاکم باشد. حقوق شهروندی پس از اعلامیه استقلال آمریکا و اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه به‌طور جدی و منسجم مطرح گردید و اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز آن را کامل نمود. در اهمیت حقوق شهروندی همین بس که امروزه از مهم‌ترین موضوعات حقوق اساسی هر کشور محسوب می‌شود (افروز والی زاد، ۱۳۹۰: ۲).

امروزه نسبت به حقوق شهروندان تأکید بیشتری می‌شود تا بر تکالیف و مسؤولیت‌های آنان. این حقوق عبارت‌اند از: حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و در این میان حقوق افراد یعنی حقوق طبیعی برای بهره‌مندی از حداقل معیارهای اقتصادی، امنیت، تأمین اجتماعی، بهداشتی و... دارای اهمیت بیشتری است. در واقع نگرش شهروندی که عبارت است از ویژگی‌های شخصیتی، خلق و خوی، تعهدات مورد نیاز برای حفظ و گسترش حکومت دموکراتیک و شهروندی (Mc Crocklin, ۱۹۶۵: ۳) به‌منظور افزایش مشارکت شهروندان در امور جاری در شهر حائز اهمیت است.

منظور از میزان آگاهی از حقوق شهروندی این است که افراد در ذهن خود در مورد حقوق شهروندی چه چیزهایی را می‌دانند و این دانسته‌ها چقدر با واقعیت تطابق دارد (شیانی و داوودوندی، ۱۳۸۹: ۱۰)؛ در نتیجه آگاهی شهروندی، شناخت امکانات موجود در سطح شهر برای رفاه شهروندان، آشنایی با وظایف، اهداف و مأموریت‌های شهرداری و نیز آشنایی با وظایف هر یک از واحدهای زیرمجموعه این نهاد و سازوکارهای استیفای حقوق در آن‌ها شهروندان را در بهره‌برداری بهتر از فرصت‌ها و موقعیت‌های رفاه و پیشرفت، یاری خواهد کرد. آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی، زمینه انجام وظایف دوجانبه را فراهم می‌کند (پور عزت، ۱۳۸۸: ۷).

شهروند به کسی گفته می‌شود که ضمن آگاهی از حقوق خود واجد توانایی انتقال، مباحثه و مشارکت باشد و از وظایف و حقوق شهروندی خود در قبال دیگران و جامعه اطلاع داشته باشد. محرومیت شهروندان از حقوق شهروندی، کیفیت زندگی آنان را به شدت تنزل می‌دهد (Lauer & hauer, ۲۰۰۲). آشنایی با حقوق شهروندی زمینه مناسب را برای یک شهروند خوب بودن و برقراری نظم و امنیت در جامعه فراهم می‌سازد. جهت آموزش برای شهروندی فعال، به یک استراتژی که آموزش رسمی شهروندی را به یک فرآیند آموزشی غیررسمی بر ای تمام طول زندگی تبدیل کند احتیاج داریم. این فرهنگ‌سازی آموزشی، برای توسعه شهروندی فعال لازم و ضروری است (Jensen & Others, ۲۰۰۶). در واقع مشارکت واقعی در تعیین سرنوشت جمعی، بدون برخورداری از اطلاعات و آگاهی کافی امکان‌پذیر نیست. از این رو توزیع عادلانه اطلاعات، به‌ویژه درباره امور حساس اجتماعی از مهم‌ترین و بنیانی‌ترین حقوقی است که کامیابی در زندگی جمعی را ممکن می‌سازد (پورعزت و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۳۱).

ضرورت آگاه‌سازی شهروندان از حقوق و تکالیف و قوانین شهری امری اساسی است که باید از طریق آموزش و برنامه‌های آگاه‌سازی به آن توجه شود و همچنین میزان آگاهی شهروندان برای پیشبرد بهتر اهداف آگاه‌سازی سنجیده شود (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۱). نهادهای شهری متکفل با فراهم آوردن بسترهای آموزشی و فرهنگ‌سازی، زمینه افزایش این آگاهی را فراهم سازند. لذا بدیهی است که آموزش و آگاهی نخستین گام نهادینه ساختن حقوق و قوانین شهری است. این آگاه‌سازی و آموزش یکی از مهم‌ترین وظایف دولت و مدیریت شهری محسوب می‌شود (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۴۲).

بدین منظور این پژوهش در جهت ادامه تحقیقات انجام‌شده در گذشته جامعه آماری جدیدی را که اساتید گروه‌های آموزشی مختلف را شامل می‌شوند، در نظر گرفته است.

فرضیات پژوهش

- به نظر می‌رسد بین گروه تحصیلی اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سن اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین جنسیت اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش اسنادی و پیمایشی است. در روش اسنادی از کتب، مقاله‌های معتبر، سایت‌های اینترنتی معتبر، مراجعه به کتابخانه و فیش‌برداری استفاده شده است. در روش پیمایشی برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه استفاده شد. جامعه آماری این

پژوهش اساتید دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان و دانشگاه پیام نور واحد همدان می‌باشد. به‌منظور تحلیل اطلاعات گردآوری‌شده، از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شد.

مبانی نظری پژوهش

شهر: از مطالعه‌ی منابع مختلف تمامی تعاریف موجود درباره‌ی شهر و عناصر ماهوی آن ذیل عناوین زیر قابل‌ارائه است: ۱- عددی ۲- تاریخی ۳- حقوقی ۴- جغرافیایی ۵- در برابر روستا ۶- انسان‌مدار (جهان‌بین، ۱۳۸۸: ۲۰) طی دهه‌های اخیر، از سوی اندیشمندان جغرافیا، جامعه‌شناسی، اقتصاد و برخی علوم دیگر، تعاریف متعددی از شهر ارائه‌شده است که برخی از این تعاریف در این بخش بررسی می‌شود: شهر مقوله‌ای است فلسفی- علمی (حبیبی، ۱۳۸۳: ۲۱۱). شهر در رویکرد جغرافیایی، حاصل رابطه‌ای است که انسان با طبیعت به وجود می‌آورد به‌گونه‌ای که شهر را می‌توان محیطی انسان‌ساخت تعریف کرد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۳۲). از نظر اجتماعی، شهرها مکان‌های مناسبی برای شکل‌گیری نهادهای جمعی، اعتلای ارزش‌های فرهنگی، گسترش و تحکیم روابط و مناسبات اجتماعی و پاسداری از روش‌های انسانی و هویت‌های ملی و محلی هستند (فرجامی، ۱۳۸۳: ۵۳).

شهروند^۱: شهروندی مفهومی است که درباره آن اتفاق نظر وجود ندارد (جاوید و ابراهیمی، ۱۳۹۲). در گذشته شهروند به کسی اطلاق می‌شد که ساکن شهر بود و مفهوم آن در برابر روستایی یا عشایر قرار می‌گرفت (انوری، ۱۳۸۱). "دهخدا" شهروند را کسی معرفی می‌کند که جزء یک شهر یا ناحیه یا کشور به حساب آید و تابع مقررات آن بوده و از حقوق آن برخوردار شود (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۸۵۹). در واقع، به تک‌تک افرادی که در یک جامعه یا کشور زندگی می‌کنند، شهروند گفته می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۵). شهروند کسی است که به‌واسطه تولد یا اعطای قانون شهروندی به وی، عضو یک کشور و جامعه سیاسی و دارای علقه و وفاداری به آن جامعه سیاسی و مستحق برخورداری از تمام حقوق مدنی و حمایت‌های قانونی می‌باشد (Bryan, ۱۹۹۹). شهروند کسی است که از حقوق بنیادین مدنی برخوردار باشد. هرچند نامیده شدن شهروندی به‌حق داشتن حقوق، نشان‌دهنده این است که شهروندی اغلب با حقوق شناخته می‌شود اما این حقوق مستلزم وجود تکالیف و مسئولیت‌هایی برای شهروندان در قبال دولت و سایر شهروندان است (Bellemey, ۲۰۰۸: ۴۵).

شهروند فعال^۲: با توجه به این‌که همواره حق^۳ و تکلیف^۴ باید ملازم یکدیگر باشند، شهروندان نیز در شهرها تکالیفی را بر عهده دارند. بنای مشارکت در روند مدنیت جامعه، مبتنی بر موضوعیت حق و تکلیف است. مشارکت نقشی اساسی و تعیین‌کننده در هویت‌یابی فرد در ارتباط با جمع بازی می‌کند. مشارکت مبنایی است برای تبدیل فرد به شهروند. شهروند مدرن می‌بایست در قبال حقوق شهروندی خود، تعهداتی را نیز تقبل کند؛ زیرا شهروندی مفهومی گسترده‌تر از شهرنشینی دارد و شهروندان منفعل، فاقد شخصیت مدنی تلقی می‌شوند؛ درحالی‌که گسترش شهروندی فعال، باعث افزایش پاسخ‌گویی نهادهای اجتماعی می‌شود. لازمه پاسخ‌گویی، بهبود شفافیت و گزارش‌دهی است و توسعه این شفافیت، به نقش شهروندان و مردم بستگی دارد. اگر یک شهروند، فعالانه در برنامه‌ریزی یا تولید یک خدمت خاص مشارکت کند، در ساختارها و وضعیت‌ها و شرایط کلی خدمت، بیش‌تر منتفع خواهد شد تا این‌که صرفاً در مقام مصرف‌کننده خدمات خاص، نقشی انفعالی اتخاذ نماید (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳). به‌طورکلی، شهروند فعال فردی است مشارکت‌جو که سرنوشت حیات شهر و محیطی که در آن زندگی می‌کند، برای او در سلسله‌مراتب ارزشی، جایگاه والایی داشته و تلاش می‌کند تا با مشارکت فعال و داوطلبانه خود، چنین سرنوشتی را بیش‌تر به سعادت و خوشبختی نزدیک کند (قاسمی و ژیانپور، ۱۳۸۶: ۱۸۷). در واقع شهروند فعال، متقاضی مشارکت هدفمند است. هدف از به کار بردن این مفهوم آن است که مردم را در بهتر ساختن جامعه برای خود و اطرافیانشان درگیر کند. در حقیقت شهروندی فعال معطوف به درگیرکردن مردم در فراگرد تصمیم‌گیری است؛ مردمی که فرصت پیدا می‌کنند تا در زمینه‌های برنامه‌ریزی و انجام خدمات عمومی سخن گفته، به ارتقاء نتایج و خدمات بیندیشند؛ در واقع برای شهروند بودن در کامل‌ترین معنای آن، باید مؤثر و فعال بود. این موضوع به یک خواست درونی برمی‌گردد که درگیر شویم و هم در مباحثات سیاسی و هم در اعمال بعضی از نویسندگان عقیده دارند که سیاسی مشارکت کنیم (Brannan et al, ۲۰۰۶).

آگاهی شهروندی^۵: آگاهی عبارت است از وارد شدن وجود یا واقعیت پدیده‌ها به ذهن. آگاهی و ادراک هنگامی حاصل می‌شود که ما از طریق حواس پنج‌گانه به وجودش، حالت یا وضعیت خاص پی ببریم (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۶). همچنین آگاهی به معنای صفت شخص یا گروه اجتماعی است که دلالت بر باخبری کامل از اوضاع و احوال مسائل جاری در یک حوزه خاص دارد (آقابخشی، ۱۳۷۶: ۹). منظور از

- ۱ - Citizen
- ۲ - Active citizen
- ۳ - Right
- ۴ - Duty
- ۵ - Citizen awareness

میزان آگاهی از حقوق شهروندی این است که افراد در ذهن خود در مورد حقوق شهروندی چه چیزهایی را می‌دانند و این دانسته‌ها چقدر با واقعیت تطابق دارد (شیانی و داوودوندی، ۱۳۸۹: ۱۱). آگاهی شهروندان موجب رسیدن ایشان به حقی است که جامعه برای آن‌ها در نظر می‌گیرد. این آگاهی دارای جنبه‌های مختلفی از قبیل آگاهی اجتماعی، آگاهی فرهنگی و... است. آگاهی شهروندی، به معنای شناخت شهروندان از وظایف حکومت و شهرداری در قبال شهروندان و تلاش برای تحقق حقوق و اجرای تکالیفشان است. آگاهی از حقوق شهروندی موجب می‌شود که مشارکت شهروندان در امور شهری از مراتب پایداری، استمرار و مسئولیت‌پذیری بیش‌تری برخوردار گشته، مثر ثمر گردد (پورعزت، ۱۳۸۸: ۷).

حقوق شهروندی^۶: حق آن رابطه حقوقی است که به سبب آن، قانون به یکی از اشخاص این توانایی را می‌دهد تا به‌گونه‌ای تک و ویژه بر چیزی معین تسلط و چیرگی یابد (آن را تصرف کند) و یا از شخص دیگر انجام یا انجام ندادن چیزی یا کاری معین را بخواهد (ساکت، ۱۳۸۷: ۴۹)؛ بنابراین حق عبارت است از قدرت، امتیاز، سلطه یا خواسته‌ای پیوسته و جدانشدنی که قانون برای یک شخص می‌شناسد. حقوق هر کشوری برای شخص حقیقی یا حقوقی، در برابر دیگران امتیازی می‌شناسد. این امتیاز که برای حفظ منافع اشخاص در جامعه از سوی قانون داده می‌شود، حق نام دارد و جمع آن حقوق است. البته از حقوق، برداشت‌ها و معانی متعددی مستفاد می‌شود (محسنی: ۱۳۸۹: ۱۲۰). حقوق شهروندی مجموعه‌ای از وظایف و حقوقی است که در یک ارتباط متقابل شکل می‌گیرد. افراد زمانی به وظایف خود به‌خوبی عمل می‌کنند که احساس کنند حقوقشان رعایت شده است. زمانی که احساس کنند حقوقشان پایمال شده و انکس متفاوتی خواهند داشت. این احساس درونی مردم در مورد حق قانونی خود و دیگران، هویت شهروندی را پدید می‌آورد (محسنی: ۱۳۸۹: ۱۲۰).

حقوق شهری: حقوق شهری، شاخه‌ای از حقوق عمومی و تنظیم‌کننده روابط شهروندان و مدیران شهری است (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۶). حقوق شهری، مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط شهروندان با ادارات شهر و نهادهای ذی‌مدخل در امر محلی و شهری را تنظیم نموده و حقوق تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری‌ها و سایر ادارات شهری را تبیین می‌کند (کامیار، ۱۳۸۷: ۲۱).

نظریه‌های حقوق شهروندی

"تی.اچ. مارشال" در خصوص حوزه شهروندی، اشاره به سه نوع حقوق شهروندی نموده که در طی سه قرن این حقوق شکل گرفته است: ۱- حقوق مدنی: نخستین حقی است که در جامعه به وجود آمده است، حقوق مدنی عبارت از حقی است که امکان تملک دارایی‌ها، التزام به قراردادها، آزادی‌های حزبی و آزادی فکر و اندیشه را فراهم می‌کند. ایجاد توقعات برابر و قضاوت بی‌طرفانه در نظام حقوقی به نسبت به همه شهروندان از جمله حقوق شهروندی مدنی است. از نظر "مارشال" درجایی که حقوق مدنی وجود ندارد، امکان آزادی فردی و سرمایه‌گذاری اقتصادی نیز وجود ندارد.

۲- حقوق سیاسی: عبارت است از حقوق که امکان مشارکت مردم را در تصمیمات عمومی کشور با تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات فراهم می‌کند. شهروندی سیاسی همچنین این امکان را فراهم می‌کند که هریک از شهروندان امکان دسترسی مستقیم به موقعیت‌های سیاسی در مقام رهبری احزاب دولت و یا سایر حلقه‌هایی قدرت را به دست آورند.

۳- حقوق اجتماعی: عبارت از حقوقی است که امکانات رفاهی حمایتی از فرد و خانواده‌های آسیب‌پذیر را به منظر ایجاد تعادل در زندگی رفاهی آن‌ها فراهم می‌آورد. به‌طورمعمول حقوق اجتماعی شامل کمک‌های مالی و رفاهی به افراد کهن‌سال معلول و افراد و خانواده‌های بی‌کار می‌شود. حقوق اجتماعی همچنین شامل فراهم آوردن شرایط مساوی بهره‌مندی امکانات آموزشی، مسکن و سلامتی برای همه اعضای جامعه می‌باشد، بر این اساس این امید خواهد بود که همگان از حداقل امنیت و امکان برابر فردی در روند رشد اقتصادی بهره‌مند شد (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۵۲). "برایان ترنر"، یک طرح تکمیلی و تجربی برای مطالعه شهروندی ارائه داده است که می‌توان آن را مبنایی برای رویکرد جامعه‌شناسی تجربی شهروندی تلقی کرد. در طرح ترنر، پدید شهروندی با چهار مؤلفه جامعه‌شناسی تحلیل و تبیین می‌شود:

الف) مشکل اجتماعی شهروندی: این که شهروندی از بالا به پایین یعنی از دولت به سمت جامعه شکل گرفته است، یا از پایین به بالا یعنی از جامعه و نهادهای مدنی به سمت دولت؛

ب) قلمرو اجتماعی شهروندی: شهروندی بیشتر متمایل به شکل‌گیری در حوزه عمومی بوده است یا حوزه خصوصی؛

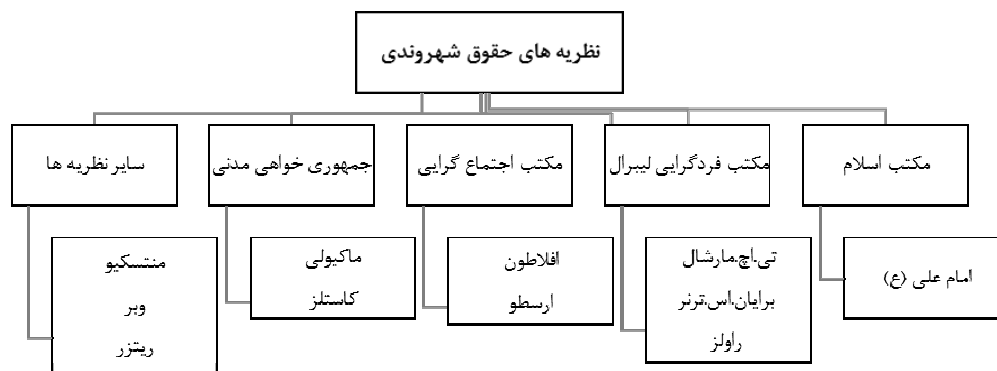
ج) گونه اجتماعی شهروندی: مشارکت شهروندی بیشتر حالت فعال دارد یا منفعل؛

د) محتوای اجتماعی شهروندی: این که شهروندی عمدتاً و در عامل ناظر به ایفای وظایف، تکالیف، مسئولیت‌ها و تعهدات شهروندی بوده است، یا معطوف به حقوق و امتیازات شهروندی (توسلی و نجات حسینی، ۱۳۸۳: ۴۲). "الن سیرز" و "وان هبرت" در تحلیل ابعاد شهروندی، دیدگاه دیگری را بیان می‌کنند. آن‌ها ابعاد شهروندی را عبارت می‌دانند از:

۶ - civil rights

- بعد مدنی شهروندی؛
- بعد سیاسی شهروندی؛
- بعد اجتماعی - اقتصادی شهروندی؛
- بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی؛

در بعد مدنی شهروندی، ارزش‌های اساسی جامعه، حدود تصمیم‌گیری‌های دولتی در ارتباط با افراد شهروند، حقوق و تعاملات گروه‌های ویژه و ذینفع را مشخص می‌کند. بعد مدنی شهروندی، عواملی نظیر آزادی در گفتار، برابری در مقابل قانون، آزادی در تعاملات و ارتباطات به معنای عام و همچنین جریان آزادانه دسترسی به اطلاعات را شامل می‌گردد. بعد سیاسی شهروندی، مسائل حق رأی و مشارکت سیاسی شهروندان است؛ به عبارت دیگر، شهروندی سیاسی، به حقوق و وظایف سیاسی اشاره دارد که در قالب نظام سیاسی تبلور پیدا می‌کند. بعد اجتماعی - اقتصادی شهروندی، به ارتباط بین افراد در یک موقعیت اجتماعی و همچنین به مشارکت در یک فضای باز سیاسی اشاره دارد. بعد فرهنگی یا گروهی شهروندان، به شیوه‌ای از فرآیند گسترش تنوع فرهنگی اشاره می‌کنند که با موضوعاتی نظیر توانایی پذیرش فرهنگ‌های دیگر، مهاجرت جهانی، افزایش تحرک و تغییرپذیری همراه است. شهروندی فرهنگی به آگاهی از میراث عمومی فرهنگی اشاره دارد (فتحی و اجارگاه و واحد چوکده، ۱۳۸۸: ۷).



تصویر ۱- نمودار نظریه‌های حقوق شهروندی

قانون اساسی جمهوری اسلامی و حقوق شهروندی: قانون اساسی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۵۸ پس از تشریح اصولی در فصل اول و بیان زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور، در فصل سوم به حقوق ملت پرداخته است. مهم‌ترین حقوق شهروندی، البته بیان جزئیات آن با قوانین عادی است در این فصل مورد توجه قرار گرفته است (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۰). حقوق اساسی از زیرمجموعه‌های حقوق عمومی محسوب می‌شود، حقوق شهروندی نیز می‌تواند از ابعاد حقوق عمومی به حساب آید (قاضی، ۱۳۷۳: ۵).

ردیف	شماره اصل	محتوی اصل
۱	۱۹	برخورداری از حقوق مساوی
۲	۳۲	امنیت فردی
۳	۲۲	مصونیت مسکن و آزادی در انتخاب محل سکونت
۴	۲۵	عدم تعرض به مکاتبات
۵	۲۳	ممنوعیت تفتش عقاید
۶	۳۴	حقوق قضایی شهروندی
۷	بند ۳ از اصل ۳	آزادی آموزش و پرورش
۸	۲۴	آزادی اخبار و اطلاعات
۹	۲۷	آزادی‌های سیاسی و اجتماعی
۱۰	۵۰	حرمت مالکیت
۱۱	بند ۱ ماده ۱۵	حق تابعیت و تغییر آن
۱۲	۲۷	آزادی در انتخاب شغل

جدول ۱- قانون اساسی و حقوق شهروندی

قوانین مرتبط با شهرداری‌ها از آغاز دوره قانون‌گذاری به سبک جدید در ایران

- قانون بلدیہ ۱۲۸۶ ه.ش؛
- قانون بلدیہ ۱۳۰۹ ه.ش؛
- قانون تشکیل شهرداری‌ها و انجمن شهر و قصابات ۱۳۲۸؛
- لایحه قانونی شهرداری مصوب ۱۳۳۱ ه.ش؛
- قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴؛
- مدل کنونی منبعث از قانون شهرداری ۱۳۳۴ و قانون شوراها مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحی سال ۱۳۸۲ (آخوندی و همکاران، ۱۳۸۷:۱۳۴).

بررسی وضعیت آگاهی از حقوق شهروندی، به تفکیک حوزه‌های فعالیت شهرداری: درحالی‌که گسترش شهروندی فعال، باعث افزایش پاسخ‌گویی نهادهای اجتماعی می‌شود. لازمه پاسخ‌گویی، بهبود شفافیت و گزارش دهی است و توسعه این شفافیت، به نقش شهروندان و مردم بستگی دارد. اگر یک شهروند، فعالانه در برنامه‌ریزی یا تولید یک خدمت خاص مشارکت کند، در ساختارها و وضعیت‌ها و شرایط کلی خدمت، بیش‌تر منتفع خواهد شد تا این که صرفاً در مقام مصرف‌کننده خدمات خاص، نقشی انفعالی اتخاذ نماید (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۸:۱۳). بهترین دستگاه‌های نظارتی برای اجرای حقوق شهروندی و قوانین شهرداری می‌توانند مردم باشند. این امر در صورتی می‌تواند تحقق یابد که آگاهی مردم به حقوق و تکالیفش آن افزایش یابد (محسنی، ۱۳۸۹:۱۴۲).

در جدول زیر حوزه‌های شهرداری در زمینه آگاهی از حقوق شهروندی و میزان شهروندی فعال رتبه‌بندی شده است:

جدول ۲- وضعیت آگاهی از حقوق شهروندی و میزان شهروندی فعال مرتبط با حوزه‌های شهرداری

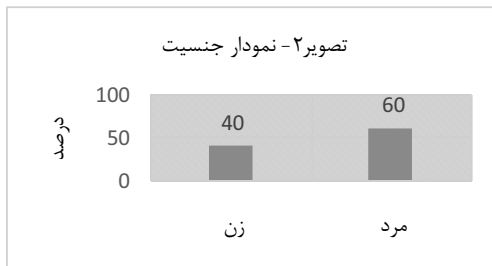
رتبه‌بندی حوزه‌های شهرداری در زمینه شهروندی فعال	رتبه‌بندی حوزه‌های شهرداری از حقوق شهروندی	ردیف
معاونت شهرسازی و معماری	معاونت فنی و عمرانی و معاونت شهرسازی و معماری (برابر)	۱
معاونت حمل‌ونقل و ترافیک		۲
معاونت اجتماعی و فرهنگی و معاونت مالی و اداری (برابر)	معاونت خدمات شهری	۳
	معاونت مالی و اداری	۴
معاونت خدمات شهری	حوزه شهردار	۵
حوزه شهردار و معاونت حقوقی، شورا و مجلس (برابر)	معاونت حقوقی، شورا و مجلس	۶
	معاونت حمل‌ونقل و ترافیک	۷
معاونت فنی و عمرانی	معاونت اجتماعی و فرهنگی	۸

مأخذ: پورعزت و دیگران، ۲۷:۱۳۸۸

یافته‌ها

بر اساس مطالبی که ذکر شد، می‌توان ابعاد حقوق شهروندی را در زمینه‌های مشارکت، اطلاع‌رسانی، خدمات و امکانات، آموزش و پاسخگویی بررسی نمود بدین منظور از پرسشنامه‌ای که روایی و پایایی آن موردبررسی قرارگرفته است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲:۶۳) استفاده شده است.

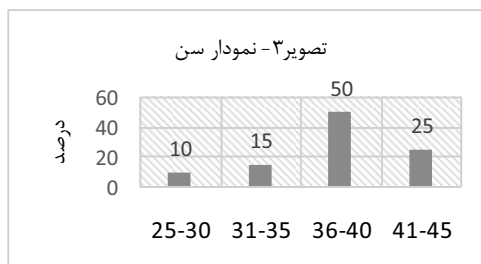
جنسیت: با توجه به جدول ۴ و نمودار ۳، ۴۰٪ از اساتید که به سؤالات پرسشنامه پاسخ داده‌اند، زن و ۶۰٪ از اساتیدی که سؤالات پرسشنامه پاسخ داده‌اند، مرد می‌باشند.



جدول ۳- جنسیت اساتید

جنسیت	درصد
زن	40
مرد	60
مجموع	100

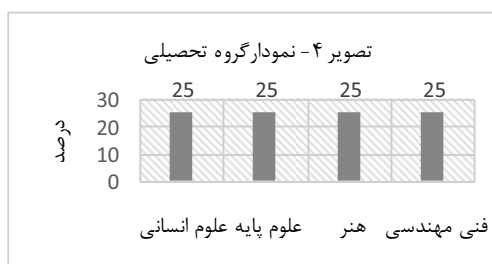
سن: با توجه به جدول ۵ و نمودار ۴، ۱۰٪ از اساتید در بازه سنی ۲۵-۳۰، ۱۵٪ در بازه سنی ۳۱-۳۵، ۵۰٪ در بازه سنی ۳۶-۴۰ و ۲۵٪ در بازه سنی ۴۱-۴۵ قرار دارند.



جدول ۴- سن اساتید

سن	درصد
۳۰-۲۵	۱۰
۳۵-۳۱	۱۵
۴۰-۳۶	۵۰
۴۵-۴۱	۲۵
مجموع	۱۰۰

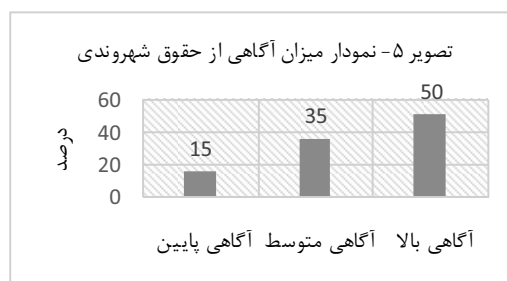
گروه تحصیلی: بر اساس جدول ۶ و نمودار ۵، ۲۵٪ از پاسخگویان در گروه تحصیلی علوم انسانی، ۲۵٪ در گروه تحصیلی علوم پایه، ۲۵٪ در گروه تحصیلی هنر و ۲۵٪ در گروه تحصیلی فنی مهندسی، تدریس می‌نمایند.



جدول ۵- گروه تحصیلی اساتید

گروه تحصیلی	درصد
علوم انسانی	۲۵
علوم پایه	۲۵
هنر	۲۵
فنی مهندسی	۲۵
مجموع	۱۰۰

میزان آگاهی از حقوق شهروندی: با توجه به سؤالات پاسخ داده شده کسانی که امتیاز ۴-۰ را کسب نموده‌اند، دارای سطح آگاهی پایین، کسانی که امتیاز ۵-۸ را کسب نموده‌اند، دارای سطح آگاهی متوسط و کسانی که امتیاز ۹-۱۲ را کسب نموده‌اند، دارای سطح آگاهی بالا در زمینه حقوق شهروندی هستند.



جدول ۶- میزان آگاهی از حقوق شهروندی

میزان آگاهی از حقوق شهروندی	درصد
آگاهی پایین	۱۵
آگاهی متوسط	۳۵
آگاهی بالا	۵۰
جمع	۱۰۰

رابطه بین گروه تحصیلی اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی

فرضیه: به نظر می‌رسد بین گروه تحصیلی اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج جدول زیر بیانگر عدم رابطه بین گروه تحصیلی اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی می‌باشد. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود بین گروه تحصیلی اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی با توجه به ضریب همبستگی اسپیرمن ۰.۷۹۱ و واریانس آزمون رگرسیون با متغیر وابسته ۰.۴۲۸ رابطه وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه H_1 مبنی بر رابطه رد و فرضیه H_0 که نشان‌دهنده عدم وجود رابطه است تأیید می‌شود.

جدول ۷- رابطه بین گروه تحصیلی اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی

ضریب همبستگی اسپیرمن	واریانس آزمون رگرسیون با متغیر وابسته	ضرایب معادله رگرسیونی آزمون رگرسیون با متغیر وابسته
۰.۷۹۱	۰.۴۲۸	۰.۷۹۱

رابطه بین سن اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی

فرضیه: به نظر می‌رسد بین سن اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج جدول زیر بیانگر رابطه بین سن اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی می‌باشد. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود بین گروه تحصیلی اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی با توجه به ضریب همبستگی اسپیرمن ۰.۰۰۱ و واریانس آزمون رگرسیون با

متغیر وابسته ۰.۰۰۰۰ رابطه وجود دارد؛ بنابراین فرضیه H_۱ مبنی بر عدم رابطه رد و فرضیه H_۰ که نشان‌دهنده وجود رابطه است تأیید می‌شود.

جدول ۸- رابطه بین سن اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی

ضریب همبستگی اسپیرمن	واریانس آزمون رگرسیون با متغیر وابسته	ضرایب معادله رگرسیونی آزمون رگرسیون با متغیر وابسته
۰.۰۰۱	۰.۰۰۰	۰.۰۰۱

رابطه بین جنسیت اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی

فرضیه: به نظر می‌رسد بین جنسیت اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج جدول زیر بیانگر رابطه بین جنسیت اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی می‌باشد. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود بین جنسیت اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی با توجه به ضریب همبستگی اسپیرمن ۰.۰۰۱ و واریانس آزمون رگرسیون با متغیر وابسته ۰.۰۰۰۴ رابطه وجود دارد؛ بنابراین فرضیه H_۱ مبنی بر عدم رابطه رد و فرضیه H_۰ که نشان‌دهنده وجود رابطه است تأیید می‌شود.

جدول ۹- رابطه بین جنسیت اساتید و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی

ضریب همبستگی اسپیرمن	واریانس آزمون رگرسیون با متغیر وابسته	ضرایب معادله رگرسیونی آزمون رگرسیون با متغیر وابسته
۰.۰۰۱	۰.۰۰۴	۰.۰۰۱

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، اساتید به‌عنوان گروه متخصص جامعه از سطح آگاهی بالایی نسبت به حقوق شهروندی برخوردار هستند. فرضیه اول که رابطه بین گروه تحصیلی و آگاهی از حقوق شهروندی را موردبررسی قرار می‌دهد، تأیید نشد. بین گروه‌های مختلف تحصیلی افراد با سطح آگاهی متفاوت وجود دارد. فرضیه دوم رابطه بین سن اساتید و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. افراد در گروه‌های سنی بالاتر از سطح آگاهی بالاتری برخوردار هستند. فرضیه سوم رابطه بین جنسیت و آگاهی از حقوق شهروندی را مورد آزمون قرار داد و در نتیجه رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. مردان از سطح آگاهی بالاتری برخوردار بودند. مفهوم شهروندی را می‌توان در مجموع، جزو مفاهیم جدیدی دانست که بازندگی برخاسته از تجدد و فرهنگ انسانی و اجتماعی درهم‌آمیخته است و به‌شدت از نحوه نگاه معطوف به استعداد انسان بلوغ‌یافته، توانایی‌های وی و چگونگی شرکت دادن و سهمیم کردن او در وضعیت و سرنوشت حیات فردی و اجتماعی متأثر است. در واقع برای شهروند بودن در کامل‌ترین معنای آن، باید مؤثر و فعال بود. این موضوع به یک خواست درونی برمی‌گردد که درگیر شویم و هم در مباحثات سیاسی و هم در اعمال بعضی از نویسندگان عقیده دارند که سیاسی مشارکت کنیم.

بنابراین، به‌راحتی می‌توان دریافت که خلاً آگاهی عمومی از حقوق و قوانین شهری، سیاست‌ها و برنامه‌های مدیریت شهری شهرهای کشور را با نوعی اختلال مواجه کرده است. با توجه به این امر، روشن است که مدیریت موفق امور شهری مستلزم بذل توجه به واقعیت‌های متنوع و متعددی است که در عرصه حیات شهری به وقوع می‌پیوندد و همچنین دیدگاه شهروندان درباره سیستم اداره شهر و مراتب آگاهی شهروندان از حقوق و مسئولیت‌ها و تکالیفشان در برابر سیستم مدیریت شهری بسیار حائز اهمیت است و موجب ترغیب شهروندان برای همکاری با نهادهای شهری در انجام بهتر وظایفشان می‌شود.

بنابراین مدیریت شهری می‌تواند با آموزش حقوق شهروندی و تشویق شهروندان به پیگیری حقوق خویش، اتخاذ رویکرد شهروندمداری و ایجاد فضای گفتگو میان شهروندان و مدیران شهری، اصلاح نظام اداری و مراعات حقوق شهروندی، جامعیت و عدم تبعیض میان شهروندان، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری در قبال شهروندان، کارآیی و اثربخشی، شفافیت و پاسخگویی در جهت ارتقاء حقوق شهروندان نقش‌آفرینی کند.

منابع

- آخوندی، ع.ا.، برک پور، ن.، اسدی، ا.، بصیرت، م. و طاهرخانی، ح. (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی مدل اداره امور شهر در ایران. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳.
- آقابخشی، ع. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- احمدی طباطبایی، م.ر. (۱۳۸۸). حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی. فصلنامه خط اول، شماره ۳.
- اسماعیلی، ر. (۱۳۸۰). انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی. فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۲.
- انوری، ح. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: نشر سخن، جلد ۵.
- پورعزت، ع.ا.، باغستانی بزرگی، ح. و نجانی آجی بیشه، م. (۱۳۸۶). الگوی منطقی منشور حقوق شهروندی بر پایه بررسی تطبیقی اسناد موجود. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۶.
- پورعزت، ع.ا.، قلی‌پور، آ. و باغستانی برزکی، ح. (۱۳۸۸). رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان‌ها. فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸.
- توسلی، غ.ع. و نجاتی حسینی، س.م. (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲.
- جاوید، م.ج. و ابراهیمی، محمود. (۱۳۹۲). تکالیف شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی. فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۲.
- جعفری لنگرودی، م.ج. (۱۳۸۶). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم، ج ۸.
- جهان‌بین، ن. (۱۳۸۸). مفهوم ماهیت شهر و معرفی شاخص‌ها و معیارهای سنجش آن در دوران معاصر. نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۴.
- حبیبی، س.م. (۱۳۸۳). از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- دهخدا، ع.ا. (۱۳۸۵). لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، جلد ۲.
- زیاری، ک.، شیخی، ع.، باقرعطاران، م. و کاشفی دوست، د. (۱۳۹۲). ارزیابی میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیا برنامه‌ریزی شهری، دوره ۱، شماره ۱.
- ساکت، م.ح. (۱۳۸۷). حقوق‌شناسی. تهران: نشر ثالث.
- شایان مهر، ع.ر. (۱۳۷۷). دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان، کتاب اول.
- شیبانی، م. و داوودوندی، ط. (۱۳۸۹). تحلیلی بر میزان آگاهی از شهروندی در میان دانشجویان. فصلنامه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی، شماره ۵.
- فتحی واجارگاه، ک. و واحد چوکده، س. (۱۳۸۸). آموزش شهروندی در مدارس. تهران: نشر آیین.
- فرجامی، م. (۱۳۸۳). ابعاد هویت شهری. مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی ایران. جلد ۱ (ساخت کالبد شهری). شیراز: دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز.
- فکوهی، ن. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری. تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- قاسمی، و. و ژیانپور، م. (۱۳۸۶). مشارکت در امور شهری به‌مثابه حق و وظیفه شهروندی (مورد مطالعه: اصفهان و فرایبورگ). کتاب مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- قاضی، س.ا. (۱۳۷۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کامیار، غ. (۱۳۷۹). حقوق شهری و شهرسازی. انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ سوم.
- لطفی، ح.، عدالت‌خواه، ف.، میرزایی، م. و وزیرپور، ش. (۱۳۸۸). مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان. فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره اول.
- محسنی، ش. ع. (۱۳۸۸). بررسی نگرش دبیران دوره متوسطه به حقوق شهروندی و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.
- والی زاده، ا. (۱۳۹۰). مبانی حقوق شهروندی مدنی از دیدگاه حضرت علی(ع). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع).

- Bellemy, R. (۲۰۰۸). Citizenship. Oxford university press.
- Brannan, Tessa, John, Peter and Stoker, Gerry. (۲۰۰۶). Active citizenship and effective public services and programmes: How can we know what really works? Urban Studies, ۴۳:۵.
- Bryan, T. (۱۹۹۹). Citizenship (critical concepts) New York: Routledge.
- Jansen, Th., Chioncel, N. and Dekkers, H. (۲۰۰۶). Social cohesion and integration: learning active citizenship. British Journal of Sociology of Education, ۲۷:۲.
- Lauer, H.r., hauer, C.J. (۲۰۰۲). Social Problems and the Quality of life, New York: McGraw- Hill.
- Mc Crocklin, J.H. (۱۹۶۵). Building Citizenship. Printed in the United States of America. Allyn and Bacon.